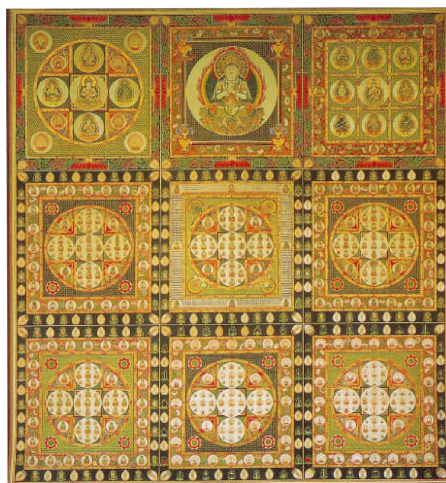


## نفوذ آئین نوظهور مانی در باورهای دینی ژاپن بخصوص در بودیسم<sup>1</sup>

### پیش گفتار

ما در این نوشتار ابتداء میکوشیم به اصول و باورهای رایج در آئین مانی به پردازیم و پس از تشریح رموز این آئین به آثار و مفهومات مشترک در فرهنگ ژاپن منجمله آئین بودیسم این کشور که با الهام از آئین مانی منجسم شده است خواهیم پرداخت. مانی(276-216)<sup>2</sup> در جامعه ایرانی تنها به یک نقاش ولی نقاش با مهارت تقلیل مقام مییابد. از این که مانی نقاش ماهری بوده است جای شک نیست. او هنر نقاشی را در انتقال باورهای دینی خود بکار میگرفته است. با خلق تصاویر انتزاعی از رموز عرفانی، پیروان خود را به گرایش معنوی و عرفانی این باورهای مجذوب میکرده است. این تصاویر انتزاعی را ماندالا(Mandala) میگویند. با ظهور مکتب اسرار شاخه بودیسم ژاپن(می کیو Mikkyo=密教) در قرن هشتم آموزش و اشاعه فرهنگ دینی با استفاده از ماندالاهای متنوع متداول شد و تا کنون نیز یکی از روش های مرسوم و مقبول پیروان این شاخه بودیسم قلمداد میگردد(فرتور 1).



فرتور 1 نمونه ای از یک ماندالا در مکتب اسرار می کیو

1 به خواننده مشتاق و پی گیر این مطالب فرهنگی توصیه میشود این نوشتار را به همراه نوشتار دیگری تحت موضوع "تحول استوره ها و باورهای دینی در فرهنگ ژاپن" از همین نگارنده مطالعه نماید:

<http://www.shamogoloparvaneh.com/tazehaa.html>

2 مانی در قریه مردینو( بصره جنوب عراق امروز) از پدر به نام فاتک از اهالی همدان و مادر ایرانی به نام مریم که از تبار اشکانیان بشمار می آمد متولد شد. او در اوان جوانی آئین خود را بر اساس اندیشه های تلفیقی نوآوری نمود. مانی در دوره پادشاهی ساسانیان تحت تاثیر نوسانات سیاسی و اجتماعی این دوره با بحران های زیادی در زندگی فرهنگ دینی خود روبرو میشود. او بارها به جهت آزار و اذیت متعصبان زرتشتی مجبور به ترک وطن میشود، به سرزمین های شمالی ایران، پادشاهی کوشان، ایالات چین و غیره سفرهای زیادی مینماید. شاگردان او در این سرزمین ها پراکنده میشوند ولی اثرات معنوی و روحانی مانی بوسیله آن ها به اقصا نقاط مصر و آفریقا و حتا اروپا نیز گسترش می یابد. شاهپور اول و یکی از پسران او هرگز با مانی رابطه دوستانه داشته، او را در اشاعه دین جدید حمایت میکردند، ولی در دوران پادشاهی بهرام اول(پادشاهی ضعیف النفس و متأثر از اطافیان) پسر دیگر شاهپور اول تحریک معبدان زرتشتی باعث شد بهرام فرمان قتل مانی را صادر کند و به طرز فجیعی او را میکشند.

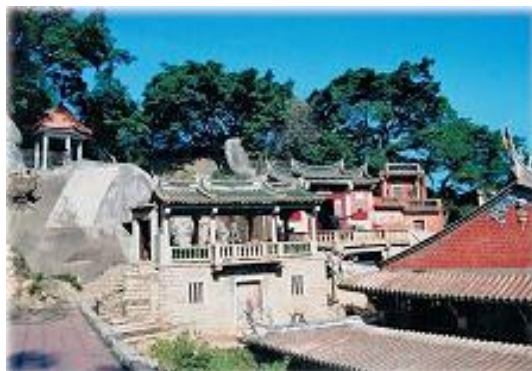
در ماندالاها مقام روحانیت ایزدان و آن چه که به حقایق اسرار اتلاق میشود با نگارش واژگان سانسکریت یا نقاشی صورت های پرمعنا مرتبه بندی شده است و پیروان از راه روئیت این ماندالاها با شناخت جایگاه خود پله پله طی مراحل منظمی به تعالی شعور و باورهای خود می کوشند. این روش به همراه ذکر و وردخوانی اهمیت خود را همچنان حفظ کرده است.

مانی در قرن سوم میلادی در اواخر دوران اشکانیان (پارت ها یا آسک ها) و اوایل عصر شاهنشاهی ساسانیان آئین خود را که نوعی دین تلفیقی از آئین زرتشی، بودیسم سنتی، یهودی، ترسائی (عیسویت)، میتزائیسم و زروانیسم، غنوسی (Gnosticism) و غیره بود ابداع کرد. اما مانی برای اشاعه دین نوپای خود با مخالفت ها و دشمنی های بسیار بخصوص در جو غالب زرتشی جامعه ایرانی هم عصر خود مواجه بود. آنطور که آخرین آشکار شده است مانی محور فعالیت های روحانی خود را بیشتر در ساتراپ های شمال و شمال شرقی امپراتوری ایران (کشورهای آسیای مرکزی کنونی و شمال غربی هند) و ترکستان و دیگر شهرهای آزاد چین قرار داده بوده است.



فرتو 2 مانی در حین آموزش به پیروانش.

به باور مانی هستی ها در شش سطح موجودیت دارند. (تابلونی در موزه یاماتوبون کاکان- Yamatobunkakan = 大和文華館)



فرتور 3 بالا: معبدی در چین که مانی در آن آموزش میداده است. پائین: مانی با شمایل خاص خود. هاله پشت سر مانی نماد تابش

خورشید است.

مانی ریش چانه دارد و موهای سرش روی شانه هایش آویزان است. این شمایل با ظاهر یک کاهن اعظم بودائی تفاوت دارد.

آثار ملموس و غیر ملموس فرهنگی زیادی در چین و آسیای مرکزی کشف گردیده است که حکایت از آموزش های مانی و فعالیت شاگردان مانوی گرای او در این خطه جغرافیائی میکند. دین مانی در بین ایغورهای ترک در خاک چین به دین رسمی حکومتی تبدیل شده بود. فرتور 2 تابلوئی را نشان میدهد که آخرین آشکار شده است متعلق به مانی است. این تابلو از مدت های پیش به عنوان یک اثر مجهول در یکی از موزه های فرهنگی ژاپن نگاهداری میشده است.

آئین مانی در چین نیز با جزر ومدهای زیادی روبرو بوده است. پس از یک دوران اعتلای این آئین مخصوصن در قرن دوازده میلادی با سرکوب شدید مواجه شده تا حدی که به دین شیطان(魔教) نامیده شده، و پیروان آن به گونه افتضاح آمیزی تحقیر میشدند. اما با وجود تمام سرکوب ها این آئین حتا در خفا به موجودیت ادامه میدهد. در قرن چهاردهم میلادی معبد مانی در استان فوکن شو(福建省) کشف گردید(فرتور 3) که تندیس خود مانی در آن نگاهداری میشده است(بن مایه 5). مانی را در چین کهن بودای نور(摩尼光仏) می نامیدند و آئین او را دین نور یا روشنائی(明教<sup>3</sup>) میدانستند.

همان گونه که در این فرتورها نیز مشاهده میشود شعاع تابش خورشید در پس سر مانی حکایت از الحاق مفهوم روشنائی و نور بیکران در آئین مانی دارد که خود ریشه در فرهنگ ایران باستان داشته است. زیرا در بودیسم سنتی هند اصولن مفهومات مربوط به روشنائی و تابش حیات بخش و جان فزای خورشید و حقیقت انتزاعی خورشید گونه وجود ندارد. این مفهومات نور و روشنائی و خورشید گونگی در فرهنگ مردم ژاپن بخصوص در نوع بودیسم این کشور به گونه ای وسیع و بنیادی وارد شده است.

در فرتور 2 شش سطح هستی ها ترسیم شده است که از اصول اعتقادی در آئین مانی بشمار می آید.

اصل تناسخ یا احیای مجدد گوهر خدائی در پیکر جدیدی، مفهومی است که مانی با الهام از آئین بودیسم هند به باورهای خود الحاق کرده است. در جدول 1 این شش سطح شعوری نشان داده شده است(نقل از بنمایه 1). نکته متفاوتی که در باورهای مانویان با آئین بودیسم وجود دارد این است که بر خلاف پیروان آئین بودا که می انگاشتند گوهر خدائی درون انسان هم ممکن است در پیکر هستی های غیر از انسان نیز از جمله حیوانات حلول کند مانویان معتقد بودند این گوهر فقط از انسان به عالم روشنائی معراج میکند و تنها در انسان دیگری تجدید حیات می یابد.

---

<sup>3</sup> واژه 明 که به نور یا روشنائی ترجمه میگردد از دو جزء 日 به معنای خورشید و 月 به معنای ماه ترکیب شده است.

جدول 1 سطوح ششگانه هستی ها

English	Japanese	پارسی
The heaven(gods kingdom)	Tendô 天道	طریقت بهشتی(حوزه خدائی)
Human kingdom	Ningendô 人間道	طریقت انسانی
Asura kingdom	Shuradô 修羅道	طریقت آشوری
Animal kingdom	Chikushôdô 畜生道	طریقت حیوانی
Starving kingdom	G akidô 餓鬼道	طریقت گرسنگان
The hell	Jigokudô 地獄道	طریقت جهنمی

روح انسان در نظام دینی مانی برای همیشه از بین نمی رود بلکه طی پیمایش مدارج طریقت به خلوص و شفافیت خدائی نایل می آید.

در تشکیلات مانی انسان ها بر حسب درجه ایمان و ارتقای خردمندی آن ها در راستای درک رموز حقیقت نهان طبقه بندی شده اند. در نمودار 1 مانی در راس هرم معنویت به عنوان پیکر حلول یافته از روح میترا(اوتار میترا یا میریزد) جلوس میکند<sup>4</sup>، حال آن که قشر فریشتگان(12 نفر- معصومان) به عنوان رسولان یا خلفای او ظاهر میشوند.

## تشکیلات مانی

میترا (پیام آور سوم)



مانی ( حلول یافته از روح میترا)



فریشتگان- 12 تن متناظر با دوازده برج فلکی(معصومان)



ایسپسگان- 72 تن (اولوالعالم)



مهیستگان- 360 تن متناظر با 360 روز سال (کلانتران)



گزیدگان (اصفیا)



نیوشگان (مستمعان)

نمودار 1 هیئت تشکیلاتی مانی برای آموزش آئین مانوی

<sup>4</sup> نقل از تاریخ ایران نوشته امیر حسین خنجی- [www.iranatarikh.com](http://www.iranatarikh.com)

به ترتیب گروه پائین تر ایسپسگان(72 نفر- اولوالعالم) که شاگردان فریشتگان محسوب میشدند، مهیستگان(360 نفر- کلانتران) که کار تبلیغ و خواندن سرودها(ارژنگ) را بعهده داشتند، طبقه گزیدگان(اصفیا) که شامل پیروان عادی مانی بودند، و در پائین ترین رده نیوشگان(مستمعان) قرار داشتند و اشاره به اشخاصی میشد که به نحوی با آئین مانی تمایل و همدلی نشان میدادند. این هیرارشی(Hierarchy) و یا سلسله مراتب هیئت روحانیون در تشکیلات مانی با الهام از انجمن های بودائی که به سنگا(Sanga) مشهورند شکل گرفتند. و اما مانی بر حسب کدام معیاری خردمندی یا روحانیت مردم را طبقه بندی میکرد. اصولن در نظام اعتقادی مانی ذات اصلی و یا حقیقت مطلق کدام بودند؟

در نظام فرهنگ دینی مانی مفهوم **دوگانگی** آئین زرتشی به نحو جدیدی به ارث برده شده است. مانی روشنائی را اصل ازلی، ابدی و حقیقت مطلق، و در مقابل تاریکی را اهریمنی می پنداشت. ماده و مادی گرائی در زندگی مصداق تاریکی و زهد و گریز از زندگی مادی، تارک دنیائی شدن مصداق روشنائی دانسته شد. هنجار بد تاریکی و هنجار خوب روشنائی، دوگانگی در حوزه اخلاق تائید میشد. نهایت تاریکی گرایش افراطی به مادیات، "آز" ریشه تمام نابسامانی ها و نماد اهریمنی قلمداد شد. تمام نظام پیچیده آموزش های دینی مانی به هدف نجات انسان از دنیای مادی و هدایت او به عرش حقیقت روشن بیکران است. در تشکیلات روحانی مانی مراتب هم کیشان بر معیار زهد و پارسائی آن ها در زندگی و پرهیز از آن چه که مادی و مادی گری اتلاق میشد تعیین می گردید.

اجازه بدهید به تشریح استوره خدایان و شخصیت های بازیگر در آئین مانی که ماموریت تخلیص و نجات انسان را از پلیدی های ماده و مادی گری بعهده دارند به پردازیم.

### استوره های آئین مانی

در این نوشتار به گونه مختصر به این مبحث می پردازیم<sup>5</sup>. در راس هرم خدایان آئین مانی **زروان**(Zurwan) خدای اعظم یا پدر شکوه و عظمت(Father of Greatness) قرار دارد. خدای اعظم نماد روشنائی بیکران در خطه شمال و پهنای شرق و غرب عرش می باشد. در خطه جنوب **سلطان تاریکی**(شیطان یا اهریمن) متعارض خدای روشنائی قرار دارد.

### جدول 2 زروان و مشخصات او

خصوصیات زروان خدای اعظم		
چهره ها یا عناصر	توصیفات	درایت ها
هوا	خلوص	ذهن
باد	روشنائی	فکر
اتر	قدرت	استدلال
آب	خرد	مشاورت
آتش		الطفات

<sup>5</sup> علاقمندان برای کسب اطلاعات بیشتر به دو بنمایه 3 و 4 مراجعه کنند.

در جدول 2 جایگاه و امشاسپندان زروان معرفی گردیده است. زمانی که زروان در عرش از قصد تجاوز **سلطان تاریکی** آگاه میشود طی سه دوره خلقت خدایان به مقابله با آن بر آمده به نجات انسان از مکافات **سلطان تاریکی** میکوشد. **سلطان تاریکی** هم تنها نیست او نیز از پنج همدست یا یار برخوردارست. یکی از آن ها همسرش "آز" میباشد.

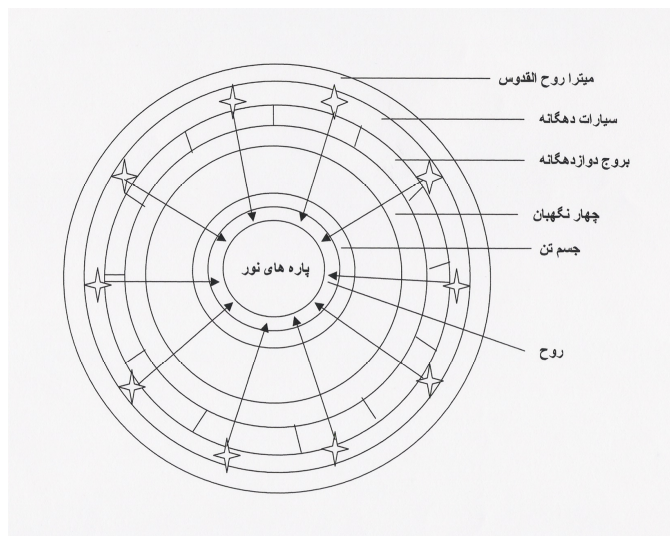
در خلقت اول **مادر زندگانی** (Mother of Life) به امر زروان، **انسان نخستین** (Primal Man) (مترادف با اهورامزدا) را متولد میکند که دارای پنج همدست یا عناصر روشنائی است. **انسان نخستین** در هم آورد با **سلطان تاریکی** شکست میخورد. بخشی از تکه های روشنائی او بوسیله **سلطان تاریکی** بلعیده میشود و بقیه آن خرد شده در ماده (تاریکی) پوشانیده میگردد.

در خلقت دوم به امر زروان، **پدر زندگانی** (Father of Life) یا روح زنده (Living Spirit) که مترادف با **میترا** است ظاهر میشود تا **انسان نخستین** را از آزار **سلطان تاریکی** نجات دهد. **پدر زندگانی** (میترا) با پنج فرزند خود در غلظت تاریکی به دنبال **انسان نخستین** فریاد میکشد که این فریاد یا ندای آزادی به **سروش** (Sraosha) تبدیل میشود. **انسان نخستین** با شنیدن ندای آزادی جواب میدهد و این جواب **رشن** (Rashnu) میشود. **انسان نخستین** آزاد گردیده، به عرش باز میگردد، و در این فرایند **سلطان تاریکی** گرفتار و محبوس میگردد. در حین حبس **سلطان تاریکی** مقداری از پاره های نور را استفراغ میکند که به مانند پاره های پیشین مورد تهاجم ماده قرار گرفته و اصل روشنائی در پوشش تاریکی حیوان و گیاه محو میگردد.

در خلقت سوم **زروان** مأموریت نجات تمام پاره های روشنائی را که در ماده نامعلوم شده اند را به **مادر** و **پدر زندگانی** (میترا) محول میکند. میترا با پاره های نور خورشید، ماه و ستارگان، بروج دوازدهگانه، سیارات را می سازد و کنترل آن ها را به همزادان یا فرزندان خود محول میکند. او به امر **زروان** زمانی که به سلطان کرات و سیارات گمارده میشود **پیام آور سوم** (Third Messenger) نامیده شده و در خورشید جایگزین میگردد. دوشیزه نور (Maiden of Light) به عنوان استحاله **پیام آور سوم** نیز در جوار او و سکن در ماه به نوربخشی و الهام سروران بعدی کمر می بندد.

در این بین جفت شیطانی "اهریمن" و "آز" با بلعیدن هر چه بیشتر پاره های نور (که اشاره به طمع و زیاده خواهی در مادی گرائی است) به "آدم" و "حوا" ی منور بدل میشوند که "آدم" و "حوا"، نور خود را به جفت های انسانی انتقال میدهند که در ناخالصی ماده تاریکی (طمع و آرزو) پوشیده شده و این روند تا نسل انسان فعلی ادامه می یابد.

برای نجات پاره های نور پوشیده شده در ماده (آز) و تکمیل و باز سازی کامل **انسان نخستین** **پیام آور سوم** به سرورانی آگاه از اصل خویش و منور به نور خورشیدی الهام میدهد تا کمر به نجات انسان های غافل از گوهر اصیل نورانی خود ببندند. این سروران در نقاط مختلف دنیا به مانند، بودا در هند، زرتشت در ایران، نوح در مصر، عیسا در فلسطین و غیره ظاهر میشوند. بالاخره خود مانی به عنوان سرور دانای نهائی در ایران ظهور میکند. انسان های نجات یافته با سفینه نجات ابتدا به ماه و سپس به خورشید انتقال داده شده که از آنجا به عرش می پیوندند. شکل 1 ساختار هستی ها را که هسته نور را در پوشش خود دارند را نشان میدهد.



شکل 1 لایه های ساختار هستی که اصل روشنائی، پاره های نور را پوشانده اند.

آگاهی به اصل نور در تاریک خانه زندگانی مادی احتیاج به ارتقای بالای شعور در حذر از این زندگانی دارد. مانی به پیروتنش آموزش میدهد از ازدواج حذر کنند، گوشت نخورند، از گیاهان استفاده کنند و به عبادت و وردخوانی (ارژنگ) به پردازند. شخص پس از مرگ در دستگاہ الهی ارزیابی میشود در صورت خلوص به فردوس رهنمود میگردد ولی در صورت آغشته به ماده (آز) به زندگانی این جهان باز گردانده شده تا در رفع ناخالصی خود بکوشد. این روند ممکنست به دفعات تکرار شود.

زمانی که قشر زخیم "آز" بر روی زمین رهائی اصل نور را مانع گردد جنگ تعیین کننده روی میدهد و میترا به همراه همزادانش در این جنگ با برپائی آتش فراگیر ماده را نابود کرده اصل روشنائی را بطور کامل نجات خواهند داد.

جالب است که خدایان مطرح در آئین مانی به زبان چینی و ژاپنی ترجمه شده اند و در فرهنگ این کشورها نقش بازی میکنند. در بنمایه 4 استاد توجو اسامی ایزدان معادل خدایان مانی را به ژاپنی و دیگر زبان ها آورده است که عینن در جداول زیر نقل میشود.

	Middle Persian	Persian		Japanese
English	Parthian Vahrām	Origin	Latin	&
	Sogdian			Chinese
Zurwan	Zurwan Pidar wuzurgīft A zrua	Zurwan	D eus	明尊父, 無量寿 無上光明王
The Great Spirit	Wāxš zīndag			大靈
Mother of Life	Zindagān Mādar Mād žīwandag A rdāwān Mād	D iv?	Mater Vitae, Sophia	智慧母
A hriman	A hriman A hriman Šīmanu	A hriman	Satan	首魔
Az	Az Az Az	Az	H yle	魔母
Ohrmizd	Ohrmizd Ohrmizd Ohrmizd	Ahura Mazda	Primus H omo	先意
H is five Sons	A mahraspandān Panj rōšn A mahraspandān		Elementi	五明仏
Ether	Frāwahr Ardāw frawarīn Ardāw frawarīn	Frāwahr	A er	氣
Wind	Wād	Wād	Ventus	風



The King of Glory	Zandbed, Wadahrāmyazd ----- -----	Wata& Rām (Â rmaini*4)	Gloriosus Rex	降魔勝使
A tlas	Mānbed ----- Omophoros	Tīr*4	A tlas	地藏明使
The Third Messenger	N arisaf Yazd Mihr Yazd Mihr Yazd	Mithra	Tertius Legatus	惠明大使
Jesus the Splendor	Xradēšahryazd Yišō' ziwā -----		Jesus	夷数
The Maiden of Light	Kanīg rōšn Kanīg rōšn Kanīg rōšn	A murdād*4	Sophia Achamoth	電光
The Column of Glory	Srōš-ahrāy Kišwarwāryazd Bāmistūn	Sraosha		金剛相柱
The Great Mind (The Light Mind)	Wahman Manohmēd rōšn N omquiti	Manoh (Manas) N arjamig Sraosha	N ous, Paraclete, Paraclete-Spirit, The Spirit of the Paraclete	惠明, 大明

	Wād Wād			
Light	Rōšn Rōšn Rōšn		Lux	光
Water	Ab Ab Ab	Ab	A qua	水
Fire	Adur Adur Adur	Atar	Ignis	火
The Friend of the Lights	Rōšnān xwīārist Frih rōšn Frih rōšn			樂明
The Great Builder	N ōgšahrāfuryazd Bāmyazd -----	Ban (Syrian)		造相
Mithra	Mihryazd Mihr Mir	Mithra	Mithra	弥勒, 大日
The Living Spirit	Mihr Yazd Wād žīwandag Wišparkar	Mithra	Spiritus Vivens	淨風, 活靈
The Call	----- Xrōštāg Yazd -----	Sraosha*1	Cautes	觀音
The Answer	A zdegaryazd Padwāxtag Yazd -----	Rashnu*3	Cautopates	大勢至
H is five Sons	----- Panj puhrān -----	Simorghian H eptad		五施
The Keeper of Splendor	D ahibed ----- -----	Vahman*4	Splenditenens	持世明使
The King of H onor	Šahrybed, Pahrbed ----- -----	Šahrevar (Xšathra)*4	Rex H onoris	十天大王
The Adamas of Light	Wisbed -----	Bahrām*4	A damas	催光明使

### مکتب اسرار بودیسم ژاپن و اشتراکات آن با آئین مانی

استوره پیدایش هیئت خدایان در شاخه بودیسم می کبُو (Mikkyo=密教) یا مکتب اسرار در بودیسم ژاپن با وجود سادگی آن شباهت های فراوانی با آئین مانی دارد. یکی بود یکی نبود خدای اصلی به نام ماهواایروچانا (Mahavairocana) یا دای نی چی نیورای (Dainichi-nyorai=大日如来) به زبان ژاپنی که به معنای خدای خورشید اعظم (فرتور 4) است وجود داشت. این خدای پنج بودای اعظم (فرتور 5) را از خود تولید میکند تا هر کدام به نوبت به سرکردگی جمع انتخاب شود و کمر به رتق و فتق جهان ببندند. با ظهور انسان نخستین نسل انسان افزایش می یابد. انسان در افراط به گرایش مادیات در زندگی عادی از کارمای (Karma) بد برخوردار میشود. در اینجا خدای خورشید اعظم به فکر نجات انسان و رهائی او از گرایشات افراطی به مادیات میشود. خدای خورشید اعظم، هشت بودی ساتوا (Boddhisatva=菩薩) را می آفریند و به سرکردگی می روکو (Miroku=弥勒) (فرتور 6) یا میترا (مایتریا در سانسکریت) آن ها را امر به آموزش و نجات بشر میدهد. بودی ساتوا ها تا حد امکان در تحقق امر آموزش و راهنمایی انسان میکوشند ولی فعالیت آن ها به نجات تمام انسان ها نمی انجامد و در نهایت لازم میشود تا خدای خورشید اعظم گروه هشت نفره ایزدان دیگر را به نام وی دی یاراجا (Vidya-raja) یا دای می یو (Daimyo=大明王) (فرتور 7) به ژاپنی به سرکردگی آچالاناتا (AchakaNaatha) یا فودومی او (Fudomyo=不動明) به ژاپنی از خود منتشر کند. هم می روکو (میترا) و هم فودومی اوها تناسخ خدای خورشید اعظم اند، این همانی کامل با او دارند، از درخشش و جذابیت او برخوردارند. فودومی او ها به فرشتگان ورد و ذکر مشهورند.

ماهواایروچانا یا دای نی چی نیورای مترادف با زروان خدای اعظم روشنائی در آئین مانی بوده و پنج بودا در بودیسم برابر با پنج چهره یا اعضای زروان گذاشته میشود (بنمایه 4 را نگاه کنید). در نمودار زیر هرم هیئت خدایان ترسیم شده است. همانطور که از هرم برمی آید انسان در سیر آموختن رموز رستگاری قابلیت صعود به فراز خدای خورشید اعظم و جای یافتن در فردوس را کسب میکند. انسان در فرایند تناسخ های فراوان لازمست کارمای بد خود را تخلیص و تطهیر کند تا رستگار گردد. در پائین ترین رده ایزدان دیوان (Deva) یا تِن بو (Tenbu=天部) قرار دارند که سمت نگاهبانان ایزدان رده بالاتر را دارند. بِن زای تِن (Bentenzai=弁財天) (فرتور 8) یکی از این تِن بو ها میباشد که به عنوان یک زنخدای خارجی وارد این دسته شده است. بِن زای تِن مترادف با آناهیتای ایرانی و ساراسواتی (Saraswati) هندی است. این زنخدای، خدای آب و سبزی، در جوار رودخانه منزل دارد و خدای موسیقی نیز میباشد. هرم از سوی بالا یا عرش به سمت پائین یا زمین آموزش و راهنمایی مقدسات را نوید میدهد و از سمت پائین یا زمین بسوی بالا یا عرش کوشش انسان را در جذب آموزش های ایزدان، عبادت و پرهیز از مادیات در راستای رستگاری نشان میدهد.

## Mandalic Pattern= هر م هیئت خدایان (پانتئون)

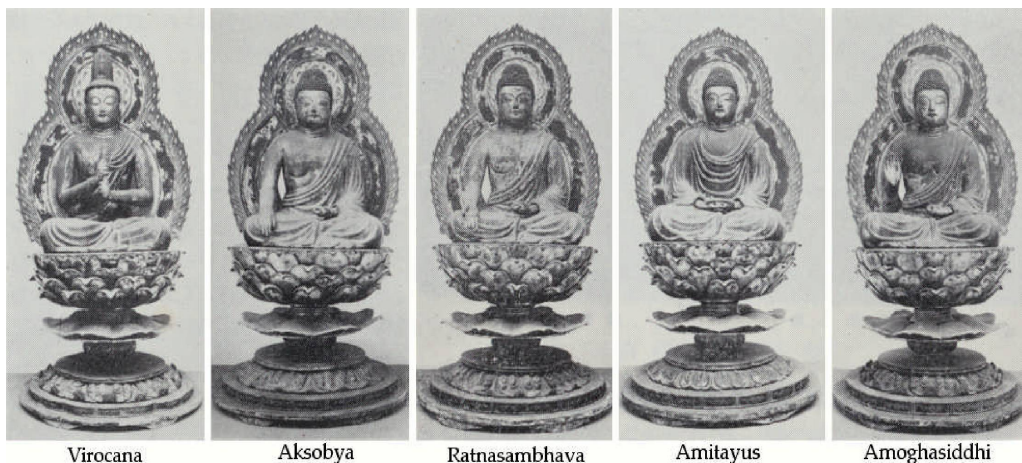


فرتور 4 ماهاوایروچانا (Mahavairocana) خدای خورشید اعظم را در شاخه مکتب اسرار بودیسم نشان میدهد.

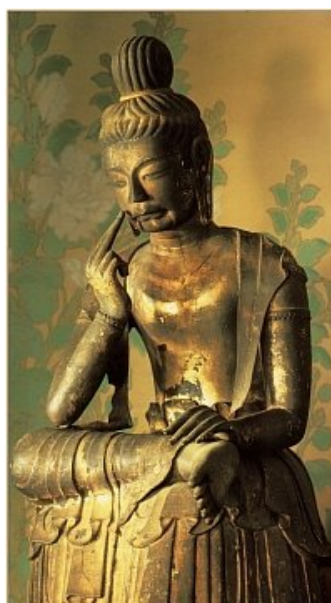


فرتور 4 ماهاوایروچانا مکتب اسرار بودیسم در وسط دیده میشود

فرتور 5 پنج بودای اعظم را معرفی میکند. **آمی تایوس** (Amitayus) بودای اعظم مورد پرستش در شاخه جودو یا سرزمین پاک (Jodo-shu=淨土宗) است که پیروان بسیاری را در ژاپن دارد. **وایروکانا** (Virocana) که به معنای خورشید تابان است بسیاری از اوقات با **ماهاوایروکانا** یا خدای خورشید اعظم در شاخه مکتب اسرار بودیسم ژاپن همسان گذاشته میشود.



فرتور 5 پنج بودای اعظم که مترادف با پنج چهره زروان تعبیر میشوند. **Virocana** به معنای خورشید تابان است. **Amitayus** به معنای روشنایی بیکران، حقیقت مطلق شاخه جو دو بودیسم است فرتور 6 می روکو یا میترا ی بودیسم ژاپن است. می روکو به بودای آینده معروف است که چند میلیارد سال دیگر بر روی زمین نزول میکند تا نسل بشر گرفتار را نجات دهد. بودای آینده لقبی است در مقابل بودای سنتی یا تاریخی که به گواتاما بودای هندی دادند. تندیس می روکو در 551 میلادی در زمان امپراتور کی می (Kimei=きめい天皇) 29 مین امپراتور ژاپن از یکی از ایالات کره تقدیم او میشود که موجب شادی و پایکوبی امپراتور میگردد.



فرتور 6 می روکو بوساتسو (Miroku=弥勒菩薩)

فرتور 7 شش ایزد ذکر را نشان میدهد که از چهره های خشن و خشمگین برخوردارند. سرکرده آن ها **فودومی یو**(دست چپ ردیف بالا) میباشد که حلول یافته روح خدای خورشید اعظم تعبیر میشود. او همیشه در دست خود یک شمشیر دارد که وسیله ای برای ترساندن خاطیان بشمار می آید.



فرتور 7 فرشتگان استاد ذکر

(فرشته موسیقی، آب و سبزی)  
**Deva = 天部**



Anahita(Iran)



Saraswati(India)



Benzaiten(Japan)=弁財天



Aphrodite(Greek), Venus(Roma)

فرتور 8  
زنخدایان آب  
و سبزی و  
موسیقی

فرتور 8 بن زای تین ژاپنی یکی از خدایان تین بو یا دیوان را نشان میدهد. این زرخدای تبار خارجی داردو آناهیتای ایرانی و سراسواتی هندی خدایان آب، سبزی و موسیقی مترادف با نوع ژاپنی آن میباشدند.

#### بنمایه

1. An Introduction to the Simorghian Culture and Mithraism in the East Asia- Masato Tojo
2. [www.irantarikh.com](http://www.irantarikh.com)
3. An Introduction to Manichaeism, Extracted & Edited from "A reader in Manichaen Middle Persian and Partian", by mary Boyce:  
<http://www.cais-soas.com/CAIS/Religions/Iranian/Manichaeism/manichaeism.html>
4. Manichaeism, Esoteric Buddhism & Oriental Theosophy, Their Common Ontological Scheme- Emergence of Universal Theosophy in Asia, By Masato Tojo
5. <http://www.geocities.co.jp/SilkRoad/9613/yomimono/mani.html>

